



## باسمه تعالی

### شخصیت محوری قسمت هفدهم

#### شخصیت محوری و سؤالات کودک در باره خدا (۲)

ب) توجه به ذهنیت کودک درباره مفاهیم

باید توجه داشت که تمام الفاظی که ما استفاده می‌کنیم، در ذهن کودک و نوجوان نیز همان معنایی را ندارد که در ذهن ما هست؛ پس در پاسخ گویی باید حواسمان باشد از کلماتی استفاده کنیم که کودک از آنها، معنایی را در ذهن داشته باشد که ما هم داریم. اگر این اتفاق نیفتد، ممکن است ما در پاسخ، واژه‌ای را استفاده کنیم که کودک از آن واژه معنایی در ذهن داشته باشد که با آنچه مقصود ماست فاصله زیادی دارد. به گفتگوی ذیل توجه کنید:

پسرک همین امروز مشغول فکر کردن بود. پیش خود می‌گفت: این همه که بابا می‌گوید خدا از دروغگو بدش می‌آید، خدا تورا دوست دارد، خدا این همه نعمت به ما داده است، خدا خدا خدا... اصلاً خدا چیست؟

حالا سر سفره نشسته بود و فقط با غذایش بازی می‌کرد. پدر، لقمه‌ای در دهان گذاشت و به پسرک خیره شد. از پسر پرسید: چرا شامت را



نمی خوری؟

پسر، بدون این که جواب پدر را بدهد، گفت: بابا! راستی خدا چیست؟

پدر، به مادر نگاهی کرد؛ یعنی تو جوابش را بده و خودش مشغول خوردن غذا شد. مادر، لقمه غذایی را که در دهانش بود، فرو برد و گفت: خدا... خدا نور است پسر!

پسرش را بالا گرفت و به لامپ مهتابی خیره شد. مادر، فکرمی کرد از شترسؤال پسرش خلاص شده. پسر که هنوز خیره خیره به لامپ نگاه می کرد، گفت: خدا نور است؟

مادر گفت: بله، خدا نور است.

پسر، حسابی گیج شده بود.

- اگر خدا نور است، کجا را روشن کرده؟

مادر گفت: تمام دنیا را.

مادر می خواست دوباره حرفی بزند که پسر اجازه نداد و ادامه داد: یعنی شب ها که می خواهیم بخوابیم، خدا هم مثل این مهتابی خاموش می شود.

مادر نمی دانست چه بگوید. فقط با یک کلمه پیچ سؤال پسر را بست: پسر جان! شامت را بخور که سرد می شود.

پسر شامش را می خورد؛ اما پس از هر لقمه به مهتابی نگاه می کند و پیش خود می گوید: خدا نور است. خدا نور است.



اما هر چه فکر می‌کند، فرق لامپ مهتابی را با خدا نمی‌فهمد.

### باید زبان مخاطب را یاد گرفت

باید زبان مخاطب را یاد گرفت. این را مخصوصاً به معلمان و طلبه‌ها که خودم هم یکی از آنها هستم، سفارش می‌کنم. این که من مطالبی را بلد باشم؛ ولی زبان مخاطب را بلد نباشم، یک زیان بزرگ است. در این صورت دیگر مطالبم فایده‌ای ندارد. حرف‌هایم برای خودم می‌ماند و بس.

چه کار کنیم که زبان مخاطب را یاد بگیریم؟ یکی از اصلی‌ترین راه‌های یادگیری زبان مخاطب، نزدیک شدن به اوست. باید با مخاطب سرو کله زد. کسانی که متخصص آموزش زبان هستند می‌گویند که یکی از بهترین راه‌های یادگیری زبان صحبت کردن با اهل آن زبان است.

متأسفانه میزان گفتگوی والدین ایرانی با فرزندانشان بسیار کم است. در این میزان کم هم بیشتر گزاره‌هایی که رد و بدل می‌شود، گزاره‌های انضباطی است؛ یعنی این کار را نکن و این کار را نکن.

باید با بچه حرف زد؛ حرف‌های معمول و روزمره، در باره علاقمندی‌های او، کارهایی که دوست دارد انجام دهد، کارهایی که انجام می‌دهد، فکرهایی که در ذهنش می‌گذرد، در باره اسباب بازی‌هایش، قصه‌هایی که شنیده، غذاهایی که دوست دارد و غذاهایی که دوست ندارد و ... از دل این حرف‌هاست که شما زبان کودک را یاد می‌گیرید.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در مسیر تربیت این است که معلم، پدر، مادر،



برادر و خواهر، روحانی زبان مخاطب را بلد نیستند. اصلاً در یک فضایی حرف می‌زند که مخاطب در آن فضا نیست. یادتان باشد که یاد گرفتن زبان مخاطب، یک کار تدریجی است. صبر می‌خواهد.